

فرایند برگزاری جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی

سید اصغر محمودآبادی

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

علی اکبر عباسی

دانشجوی دکترا تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان

چکیده

جشن مهرگان، دومین عید مهم ایرانیان پس از عید نوروز در دوره باستان بود که در ۱۶ تا ۲۱ مهرماه برگزار می‌شد. شانزدهم مهر عید عوام و بیست و یکم مهر عید خواص بود. منشأ پیدایش جشن‌های مهرگان، بنا به نقل منابع قرون نخستین اسلامی، پیروزی فریدون بر ضحاک و مربوط به زمانی بوده است که اقوام ایرانی و هندی با هم زندگی می‌کردند. مراسم مهرگان اول تا چهارم هجری هم برگزار می‌شد. خلفای اموی و عباسی برای کسب منافع اقتصادی و ایجاد مقبولیت در بین مردم ایران از این جشن‌ها حمایت می‌کردند و بزرگان ایرانی حفظ سنت‌های بومی خویش را در برگزاری آن می‌دانستند. بعضی از زاهدان مسلمان از جشن‌های مهرگان و اقدامات برگزارکنندگان مراسم اظهار تفسیر می‌کردند؛ اما مسلمانانی هم بودند که برگزاری این مراسم را با ارزش‌های دینی مغایر نمی‌دانستند. انعکاس برگزاری این مراسم در چهار قرن اول اسلامی، به صورت پراکنده در منابع ذکر شده است. کتاب‌های مستقلی درباره مهرگان در قرون نخستین اسلامی نوشته شده که منقولاتی از آن در کتاب‌های فتوح، تواریخ عمومی، دایرةالمعارف‌ها و تواریخ محلی و انساب موجود است.

مقدمه

ایرانیان در دوران باستان، مراسم و جشن‌های بسیاری داشته‌اند که برخی از آنها به دوره اسلامی نیز کشیده شده است. یکی از جشن‌های مهم ایرانیان در عهد باستان که پس از نوروز بزرگ‌ترین جشن محسوب می‌شد، عید مهرگان است. مراسم مهرگان بعد از اسلام و در قرون نخستین اسلامی، در همه ایران و حتی در برخی از نواحی بیرون از ایران رایج بوده است. خلفای اموی، عباسی و حاکمان نیمه‌مستقل قرن‌های سوم و چهارم، عمده‌تاً با برپایی این مراسم مخالفتی نداشتند.

در این مقاله سعی شده است چگونگی برپایی مراسم مهرگان در قرون نخستین اسلامی (اول تا چهارم هجری) و دیدگاه مردم درباره این جشن و انگیزه‌های حاکمان مسلمان در حمایت از آن بحث و بررسی و تحلیل شود.

مبحث مهرگان در منابع

با توجه به اهمیت عید مهرگان در قرون نخستین اسلامی، این موضوع عنوان کتاب‌هایی در این باره بوده است. ابوالحسن علی‌بن‌مهدی کسری – از نویسنده‌گان و ایران‌شناسان قرن سوم هجری که گاه با نام موسی‌بن‌خسروی (کسری) هم از او یاد کرده‌اند (بیرونی، ۱۴۲۲: ۵۵۹) – کتابی به نام *الاعیاد والنواریز* داشته که ابن ندیم در الفهرست از آن یاد کرده است (ابن ندیم، بی‌ت: ۱۶۷) و حمزه اصفهانی، مطالبی از آثار او در سنی نقل و نقد می‌کند (اصفهانی؛ ۱۳۴۶: ۱۷–۱۸). ابوريحانی بیرونی و ابوعلام جاحظ در آثارشان از کتاب *الاعیاد والنواریز* کسری نقل کرده‌اند. در این زمینه، ابوالحسن علی‌بن‌هارون بن‌یحیی کتاب دیگری تألیف کرد. وی متکلم دانشوری بود که با خلیفگان همنشینی داشت. نام کتاب ابوالحسن درباره جشن نوروز و مهرگان *النوروز والمهرجان* بود. وی کتاب‌های دیگری هم داشته که یکی از آنها شهر رمضان بوده است. او این کتاب را در عصر آل بویه – که مشوق فرهنگ ایرانی

بودند – تأليف کرد. ابوالحسن در سال ۲۷۶ هجری متولد شده و در سال ۳۵۲ – در سن هفتاد و شش سالگی – در گذشته است (یاقوت‌الحموی، ۱۴۲۳: ۸۷۹/۲). اثر دیگری در این باره که ویژه جشن مهرگان تأليف شده و در آن از سایر اعياد سخنی به میان نیامده، کتاب المهرجان تأليف ابو عبدالله احمد بن محمد جیهانی – وزیر منصورین نوح سامانی – بوده است (ابن فقيه همدانی، ۱۹۹۶/۱۴۱۶: ۳۸، پاورقی). اين اثر به ابن سينا هم نسبت داده شده است (همان). مباحثي از اين کتاب هم در منابع ذکر شده است. حمزه بن حسن اصفهاني نيز رساله‌اي به نام الاشعار السائره فی النیروز والمهرجان داشته است (بیرونی، ۱۴۲۲: ۳۸). علاوه بر اين منابع اختصاصي، در سایر منابع اعم از تاریخي، جغرافيايي، ادبی، انساب، ملل و نحل... هم کم و بيش مطالبي درباره مهرگان نگاشته شده است. ابوریحان بیرونی – دانشمند بزرگ ايراني – در کتاب آثار الباقيه مطالبي درباره زمان پيدايش جشن مهرگان و علت مطرح شدن آن نوشته است. طبری در تاریخ الرسل والامم والملوک، ضمن بيان فتح خراسان و نيز ذکر حوادث دوران بعضی از خلفا، به ماجrai هديه‌دادن ايرانيان به حاكمان در مهرگان اشاره می‌کند. در تاریخ بلعمی هم روایاتي متفاوت از طبری درباره مهرگان ذکر شده است. درخصوص زمان عيد مهرگان و اصرار برخی از خلفا در گرفتن هدايای مهرگان نيز يعقوبي اخباری ذکر کرده است. ابوعلی مسکویه‌رازي هم به نوع برخی از هدايا اشاراتي دارد. در طبقات ابن سعد، حکایت‌هايي نيز در بیرون از ايران که اين جشن‌ها در آنجا برگزار می‌شد، ذکر شده است. مسعودي بيشتر به عقاید ايرانيان درباره مهرگان پرداخته است. در بعضی از منابع جغرافيايي مثل معجم‌لادباء یاقوت‌الحموی، مباحثي در مورد ماجراهای روز مهرگان بيشتر در عهد عباسی ارائه شده است. مؤلف احسن التقاسيم نيز از شركت مسلمين و زرتشتي‌ها در فارس و در مراسم اعياد يكديگر خبر می‌دهد.

در برخی منابع ادبی، مثل الاغانی ابوالفرج اصفهانی، اشعار زیادی درباره مهرگان به مناسبت‌های مختلف سروده شده است که می‌توان تحلیل‌های زیادی درمورد جشن‌های مهرگان در قرون نخستین اسلامی از آنها استنباط کرد.

در بعضی از منابع فارسی، مثل زین‌الا خبار گردیزی، هم از مهرگان عام و مهرگان خاص یاد شده است. در تواریخ عمومی متأخرتر مثل العبر ابن خلدون، الکامل ابن اثیر، نهایة الارب نویری، نیز به تبعیت از تاریخنگاران قرون نخستین اسلامی مطالبی درباره مهرگان، البته مختصر، نوشته شده است. برخی منابع متفرقه مثل الاوراق، تذكرة الحمدونیه، زهرة الآداب، نیز حاوی مباحث جالبی درباره مهرگان هستند که در سایر منابع نیست.

وجه تسمیه نام مهرگان و چگونگی عیدشدن آن

درباره نام مهرگان، محققان تحلیل‌های مختلفی ارائه داده‌اند. این جشن به مهر یا میترا – ایزد باستانی ایرانی – نسبت داده می‌شود (رضی، ۱۳۵۸: ۲۷۵). مهر از ایزدان مهم مطرح شده در اوستا است؛ معنای آن دوستی و رعایت عهد و پیمان بوده و مهر نیز طرفدار دوستی و راستی و درستی بوده و دشمن دروغ معرفی شده است (صفا، بی‌تا: ۲۰). برخی نیز به لحاظ لغوی، مهر را به معنای خورشید و مهرگان را روزی می‌دانند که خورشید در همه عالم طلوع کرده است (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۷۳). این دیدگاه را صفا رد کرده است (صفا، بی‌تا: ۲۱). در اینکه چرا این جشن‌ها در شانزدهم مهرماه برگزار می‌شود، مطالبی در منابع ذکر شده است که از روی آنها نمی‌توان به صورت قطعی در این باره نظر داد. واقع شدن روز مهر در ماه همنامش را برخی سبب جشن گرفتن آن دانسته‌اند (همان، ص ۲۷). در همه ماه‌ها، نام روزی از ماه که با نام خود ماه مطابقت داشت، مبارک بود و آن روز جشن گرفته می‌شد. تمامی سی روز ماه، نام‌های خاصی داشتند. داراب پالن – موبد پارسی – در منظومة خود موسوم به

فرضیات‌نامه به شرح از یک ترجمه پهلوی، تفصیل سی روز را آورده است (رضی، ۱۳۷۱: ۱۱۹-۱۱۱). «گان» نیز به معنای «زمان و وقت» است. مسعودی در کتاب ارزشمند *مروج الذهب*، درباره پیدایش مهرگان نوشه است: «به اعتقاد ایرانیان، یکی از پادشاهان ظالم ایران که مدتی فرمانروایی کرد، مهر نام داشت و ستمگر بود و چون جان داد، جشن گرفتند. نام وی مهر بود و چون جان داد، مهرجان داد گفتند و این روز را روز اول زمستان نامیدند (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲/۱۸۱). بلعمی در این زمینه روایتی نقل کرده است که در تاریخ طبری نیست. وی نام مهرگان را مربوط به ماه مهر می‌داند: چون کاوه تاج بر سر افریدون نهاد، روز مهر بود و جشن مهرگان از آن جهت گرفته شد و چون افریدون بر تخت نشست، عدل و داد بگسترد و مهر او اندر جهان منتشر شد (بلعمی، ۱۳۷۳-۷۸: ۱/۵۰۱). همچنین در روایت ابن‌اثیر آمده است که در شانزدهم مهرماه، مهرگان [افریدون] آمد برای کشتن کسی که مردم را می‌کشت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵/۱۹۶۵: ۷۶/۱). در علت برگزاری جشن، موضوع تسلط افریدون بر ضحاک و اسیر کردن و به بند کشیدن وی و فرستادنش به دماوند تقریباً در عموم منابع ذکر شده است. در اوستا هرجا سخن از فریدون است، از تسلط، درگیری و برتری او بر آژری‌دهاگ (ضحاک) یاد شده است (اوستا، ۱۳۸۲: ۳۷۰، ۴۲۲، ۴۱۶، ۴۳۲، ۴۴۴).

فردوسی نیز جشن مهرگان را به زمان فریدون مربوط دانسته است:

فریدون چو شد بر جهان کامگار	ندانست جز خویشتن شهریار
به‌رسم کیان تاج و تخت مهی	بیاراست با کاخ شاهنشهی
به سر برنهاد آن کیانی کلاه	به روز خجسته سر مهرماه
(فردوسی، ۱۳۷۵: ۵-۱۳۴)	

در بعضی از منابع، به روایات افسانه‌ای ایرانی رنگ و روی مذهبی هم داده شده است. در یکی از منابع نیز آمده است: ایرانیان فکر می‌کنند ضحاک همان نمرود و افریدون همان ابراهیم است (قلقشندی، بی‌تا: ۲/۴۴۹). در ادامه نیز اشاراتی وجود دارد در این‌باره که افریدون دین مجوس را با کشتن ضحاک از انحراف نجات داد

(همان). ماجراهی فریدون و ضحاک، مربوط به اقوام هندی و ایرانی است و در اوستا و سانسکریت ذکر شده است (صفا، بی‌تا: ۳۲). براساس روایتی دیگر، مهرگان روزی بود که اردشیر بن بابک بن ساسان تاج بر سر نهاد (بی‌تا: ۴۴۹/۲). بیرونی که خود مهرگان را جشن می‌گرفت، بر این اعتقاد بود که هرمزبن شاپور، مهرگان و رام روز ۲۱ مهر را یکجا جشن قرار داد (بیرونی، ۱۴۲۲: ۶۵۴). مصحح آثار الباقيه، از دیگر سخنان بیرونی چنین استنباط می‌کند که جشن مهرگان برای بازپس‌گیری درفش کاویانی مقرر شده است (همان، ص ۶۶۶). در برخی از منابع هم بهجای نام ضحاک از تسلط افریدون بر بیوراسب یاد شده است (ابن فقیه همدانی، ۱۴۱۶/۱۹۹۶: ۳۳۳). همچنین اشاره شده که اسم اصلی مغلوب فریدون همان بیوراسب است که تازیان وی را ضحاک نامیده‌اند. رضی معتقد است که به علت کمبود منابع دوره باستان نمی‌توان زمان شروع جشن را دقیقاً مشخص کرد (رضی، ۱۳۵۸: ۵۱۸)؛ به ویژه که آریایی‌ها قبل از ورود به ایران با کتابت آشنازی نداشتند. منهاج السراج معتقد است افریدون از فرزندان جم بود (مهناج السراج، ۱۳۶۳: ۱۳۷/۱). بنا به روایتی نیز افریدون بر ملک نشست و کاوه را سردار کرد (بلعمی، ۱۳۷۳/۷۸: ۸۸۱/۲). جشن و سرور در شش روز — از شانزدهم تا بیست و یکم مهرماه — ادامه داشت (نویری، ۱۴۲۳: ۱۸۷/۱). شانزدهم مهر به عید عوام و بیست و یکم مهر به مهرگان عید خواص شهرت یافت (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۷۴؛ ابن فقیه همدانی، ۱۴۱۶/۱۹۹۶: ۲۴۵؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۵۱۱-۲). مهرگان، دومین عید بزرگ ایرانیان بعد از نوروز بود. نوروز عید رییعی و مهرگان عید خریفی پارسیان محسوب می‌شد (ابن خلدون، ۱۴۰۸/۱۹۸۸: ۱۹۰/۲). بنا به نقل سلمان، تفصیل نوروز و مهرگان نسبت به سایر روزها نزد ایرانیان مثل تفصیل یاقوت و زبرجد به سایر جواهر بوده است (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۷۳). در مهرگان، مردم فرش‌ها را می‌گسترند و خانه‌ها را پاکیزه می‌کرند و طعام‌هایی می‌ساختند (مقدسی، مطهربن طاهر، بی‌تا: ۲۷/۴). بنا به روایت مسعودی، مردم در این روزها فرش‌ها، لباس‌ها و لوازم را نو می‌کردن (مسعودی،

۱۴۰۹: ۵۵۰/۱). بیرونی هم اشاره می کند که در مهرگان، معجونها و نوشیدنی های خاصی درست می شد (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۶۶). سرگرمی های رایج در جشن مهرگان، مخصوصاً برخی از نوشیدنی های آن، در نزد اهل دین مذمت می شد؛ ولی بسیاری از حاکمان، حتی حاکمان عرب، خود در لذت و سرگرمی جشن های مربوط به این روزها غرق می شدند) که در ادامه مقاله، به نمونه هایی از آن اشاره شده است).

اهمیت و توجه به مهرگان در قرون اولیه اسلام، از نام شهرها و مناطقی بدین نام و اسم اشخاص به نام مهرگان، آشکارتر می شود. ظاهراً شهری در مناطق غربی ایران بین جبال تا همدان به نام مهرگان، مهرگان کداک، مهرجان قدق یا قدق بوده است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۰۹/۲۳). هرمزان - حاکم و فرمانده نظامی معروف شوستر - در آستانه ورود اسلام به ایران (دینوری، ۱۹۶۰: ۱۳۰) به این شهر منسوب بود (ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۷۶/۳۲). مهرگان کداک راسائب بن مالک اشعری با صلح فتح کرد (نویری، ۱۴۲۳: ۱۹۶۰/۱۹). مقدسی نیز نام مهرگان را احتمالاً مهرگان دیگری مربوط به منطقه ای بین ریوند (روستایی در شهرستان سبزوار فعلی) و اسفراین می داند (المقدسی، محمد بن احمد، ۱۴۱۱/۱۹۹۱: ۳۵۲). در بسیاری از منابع هم نام قدیمی خود اسفراین، مهرگان و المهرجان نوشته شده است (یاقوت الحموی، ۱۴۲۳: ۶۸۹/۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۴۳/۲). از شهر مهرگان کداک در زمان ابوالعباس سفاح یاد شده است؛ و مهرگان باید مناطق غربی باشد نه خراسان، به این دلیل که ابو مسلم حاکمان اعزامی عباسیان برای شهرهای خراسان را نمی پذیرفت و حتی نواحی نزدیک خراسان را به جهت حفظ نفوذش در این منطقه به نمایندگان سفاح نمی داد (دینوری، ۱۹۶۰: ۷-۳۷۶). در منابع، از حکومت سلیمان بن علی بر مهرگان کداک از طرف ابوالعباس سخن به میان آمده است (طبری، ۱۹۶۷: ۱۹۶۷؛ ۴۵۹/۷). نام مهرگان همچنین گاه بر اشخاص و افراد اطلاق می شده است. نام جد برخی از محدثین معروف، مهرجان بوده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۹۲/۶). زمان جشن مهرگان نیز بر اساس تقویم سریانی،

بیست و ششم تیرین الاول و نهم ماههای ابیب ماههای قبطی و شانزدهم مهرماه تقویم ایرانی بوده است (قلقشندی، بی‌تا: ۴۴۸/۲). بین نوروز تا مهرگان ۱۶۷ روز فاصله بوده و این عید در اوایل پاییز قرار داشته است.

جشن مهرگان در عهد باستان

هرچند موضوع این مقاله درباره وضع جشن مهرگان در قرون نخستین اسلامی است، لازم است درباره مراسم مهرگان در دوره باستان نیز توضیح مختصراً داده شود. از عصر ساسانی و دوره‌های قبل از آن، غیر از /وستا منبعی درباره برگزاری جشن‌ها نیست. اگر برگزاری جشن مهرگان به تاجگذاری اردشیر مربوط بوده باشد، طبیعی است که قبل از آن، از این مراسم خبری نبوده است. نبود کاغذ در عهد باستان، کمبود کتابت، نظام طبقاتی ساسانی و محروم‌بودن مردم عادی از تحصیل باعث شده است که درباره شیوه اجرای مراسم جشن‌های مهرگان در دوران باستان اطلاعاتی کافی نداشته باشیم. عمدۀ اطلاعات ما درمورد مراسم مهرگان عهد ساسانی، به منابع اوایل دوران اسلامی مربوط است. از همان قرن اول هجری، مسلمین با کاغذ در آسیای میانه آشنا شدند؛ و آشنایی با این ماده و توجه اسلام به علم و دانش، تأثیر زیادی در رشد کتابت داشت.

در کتاب *تذکرة الحمدونیه* آمده است: انوشیروان در روز مهرگان، سفره‌ای پهن می‌کرد و اهل مملکت را به حضور می‌پذیرفت. در این پذیرایی، غذا صرف می‌شد و پس از غذا شراب می‌آوردند؛ بعد از آن هم اهل موسیقی حاضر می‌شدند و به طرب می‌پرداختند. همچنین، آجیل و تنقلات در ظرف‌های طلایی و نقره‌ای به مجلس آورده می‌شد. حتی از جام‌های طلایی به وزن هزار مثقال در این جلسات صحبت به میان آمده است (محمدبن حسن بن حمدون، ۱۴۱۷: ۳۲۵/۲). به علاوه، در عهد باستان و در روز مهرگان، پادشاه عوام را به حضور می‌پذیرفت و به شکایت آنان

رسیدگی می‌کرد و امور مردم را سروسامان می‌داد (عسکری، ۱۴۰۸: ۲۰۷)؛ حتی در مواردی پند و اندرز بزرگان را می‌شنید و در اداره امور از آن بهره می‌گرفت (تعالی، ۱۳۲۸: ۲۲۰). در برخی از منابع هم ذکر شده است که در عهد باستان جشن مهرگان پس از پیروزی بر رومیان برگزار می‌شد (مجمل التواریخ والقصص، بی تا، ۵۵)؛ که البته با توجه به فلسفه برگزاری این جشن، سخن این مؤلف غریب به نظر می‌رسد. شاید هم اشاره به مواردی است که جشن‌هایی مشابه مهرگان برگزار می‌شد. از آنجا که در این پژوهش، وضع مراسم و جشن‌های مهرگان در قرون نخستین اسلامی بررسی می‌شود، به همین مقدار درباره وضع مهرگان در عهد باستان بسنده می‌کنیم.

مراسم مهرگان در دوره راشدین و امویان

موضوع جشن مهرگان، از همان ابتدای ورود اسلام به ایران مطرح بوده است. عبدالله بن عامر زمانی که از سوی عثمان بن عفان – خلیفه سوم – مأمور فتح خراسان شد، به سوی این ایالت تاخت و شهرها و مناطق آن را فتح کرد. در مقدمه لشکر، ابن عامر (احنف بن قیس تمیمی) قرار داشت. احنف از طرف خود، پسرعموی خویش بشربن متسمش را حاکم بلخ کرد. مردم آن شهر در روز مهرگان برای وی هدیه آوردند. بشر از مردم پرسید: آیا این هدایا مربوط به قرارداد صلح است؟ آنها گفتند: نه، ولی هدایایی است که در روز مهرگان به حاکمان خویش می‌دهیم تا آنان را بر سر رافت آوریم (طبری، ۳۱۳/۴: ۱۹۶۷)؛ و این هدایا شامل درهم، دینار، طلا، نقره، متأع و لباس بود (همان، ۳۱۳/۴). این روایات نشان می‌دهد که در ابتدا خود مردم ایران بر بزرگداشت مهرگان و دادن هدایا اصرار داشتند و از این حس بومیان ایرانی، حاکمان اموی بعداً سوءاستفاده می‌کردند. وقتی بشر موضوع ارائه هدایا توسط دهقانان ایرانی را با احنف درمیان گذاشت، احنف اموال را به نزد ابن عامر برد. عبدالله بن عامر به احنف گفت که هدایا را برای خویش بردارد و چون احنف

نپذیرفت، حاکم اموی (عبدالله بن عامر) اموال را برای خود بردشت (همان، ۳۱۴/۴). حاکم اموی بصره در روز مهر گان بر سیستان نیز تاخت و پس از مشاهده جشن و سرور مردم در آن روز از بزرگشان خواست هدایایی از زر و سیم را در پوست بزی نهند و به وی دهند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۵۴۷-۸). در زمان خلافت حضرت علی(ع)، ایرانیان کوفه هدایایی از زر و سیم را در رحبه (نام منطقه‌ای در اطراف کوفه) برای امام علی(ع) آماده کردند و قبر – غلام آن حضرت – که احساس می‌کرد امام هدایا را نخواهد پذیرفت، مقداری از اموال، طلاها و نقره را به منزل ایشان برد. علی(ع) وقتی هدایا را در منزل خویش یافت، خطاب به قبر گفت: «مادرت به عزایت بنشینید! آیا می‌خواهی آتش را به خانه من وارد کنی؟»؛ و پس از آن، همه اموال و هدایا را درین مردم تقسیم کرد (ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۴۲-۵۴۷). احتمالاً امام علی(ع) هدایا را به صاحبان اصلی پس داده است. نعمان بن مربیان – جد ابوحنیفه – در زمان خلافت امام علی(ع) در کوفه در روز نوروز یا مهر گان برای ایشان فالوذج آورد و آن حضرت علی(ع) فرمود: هر روز ما مهر گان و یا نوروز باد (السماعی، ۱۳۸۲: ۱۹۶۲/۶۴). هدیه‌های معمولی را که در آن غرض دنیوی نبود، امام علی(ع) می‌پذیرفت. چنان که یکی از یاران امام علی(ع) ایشان را برای خوردن حلواهی که در نوروز پخته بود، دعوت کرد. علی(ع) از آن خورد و پرسید: «این حلوا را برای چه پخته بودی؟». وی گفت: «امروز نوروز است». علی(ع) خندید و گفت: «اگر می‌توانید، همه روز برای ما نوروز بگیرید». (ابن ابیالحدید، ۱۳۷۲: ۵/۱۷۶). هدیه‌هایی که بعضی افراد به دست آوردن مناسب حکومتی را از دادن آن مدنظر داشتند و در تهیه آن پول زیادی هزینه شده بود را حضرت علی(ع) رد می‌کردند؛ چنان که آن حضرت علی(ع) هدیه اشعت کندي را که به اين منظور ارسال شده بود، پس فرستاد (همان، ۱۷۶/۵). بنا به نقل يكى از منابع ادبى، مردم سواد کوفه نيز در عهد خلفاى نخستين مراسمى در بزرگداشت نوروز و مهر گان برپا مى‌کردند. (جهشيارى، ۱۳۴۸: ۵۲)

بنی‌امیه در دوران خلافتشان، دربی مطالبه اجباری هدایای سنگین در مهرگان بودند. معاویه – اولین خلیفه اموی – اصرار داشت که حاکمان هدایای نوروز و مهرگان را نزد وی فرستند و در همین راستا بالغ بر ده میلیون درهم نزد وی فرستاده می‌شد. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲/۱۹۹۲: ۳/۱۴۲۰؛ یعقوبی، بی‌تا: ۲/۲۱۸)

علی‌رغم اینکه در منابعی چون تاریخ یعقوبی والاستیعاب ابن‌عبدالبر تصریح شده است که معاویه به گرفتن هدایا و درهم و دینار در مهرگان اصرار داشت، برخی منابع از حجاج به عنوان اول کسی که گرفتن هدیه در مهرگان را مرسوم کرد، یاد کرده‌اند (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۲۳: ۲/۷۰۴؛ قلقشندی، بی‌تا: ۲/۴۴۷). شاید مطالبه اجباری و با اصرار زیاد، به عهد حجاج مربوط باشد که بیشتر با ایرانیان ارتباط داشت و بر آنان مسلط بود و احتمالاً سطح درخواست‌های حاکمان از هدایا بالا رفته بود و گرنه در منابع تصریح شده است که معاویه هم به گرفتن هدایای نوروز و مهرگان از اهل سواد اصرار داشت (مسکویه‌الرازی، ۱۳۷۹: ۲/۲۲). سنت‌های ایرانی، بیشتر در خراسان مرسوم بود و زبان فارسی جدید نیز از آنجا برخاست و به سایر نقاط ایران رسید. بنابراین طبیعی بود که رسم هدیه‌دادن در مهرگان هم بیشتر از سایر مناطق، از آن ایالت گزارش شده باشد. گاه در بین هدیه‌های تقدیمی به خلفا، دختران جوانی هم بودند که در هدایای سال ۷۸ در یکی از منابع گزارش شده است (قیروانی، بی‌تا: ۲/۵۲۷) و این خود از طبع درونی و تمایلات برخی از خلفای اموی حکایت دارد. گاه نیز حاکمان اموی مثل اسد بن عبد الله قسری و یا یزید بن عمر بن هبیره، جهت تحریر ایرانیان و نشان‌دادن گشاده‌دستی خود، تمامی هدایا را به اطرافیان می‌بخشیدند. منابع از هدیه‌های دهقانان خراسانی برای اسد و گرانبهای بودن هدیه‌های طلازی و نقره‌ای جام‌ها، سینی‌ها، لباس‌های مروی، و قهستانی و هراتی و اینکه اسد تمامی آنها را به اطرافیان بخشید، یاد کرده‌اند (طبری، ۱۳۸۷/۷: ۱۹۶۷؛ ۱۳۹/۷: ۱۹۹۲). معمولاً این گشاده‌دستی

نسبت به بزرگان عرب خراسان بود (همان، ۱۴۰/۷) و از روابط نزدیک امیران خراسان با اشراف بومی و عرب مقیم آن سامان نشان داشت.

اطرافیان حاکمان که می‌دانستند در روز مهرگان حاکم بخشش‌های زیادی خواهد کرد، به‌نزد وی می‌آمدند. نهارین توسعه در این‌باره می‌گوید: «در روز غزا، و روزهای ترس، اندک هستید و به روز مهرگان بسیارید». (همان، ۱۴۱/۷). علاوه بر تقدیم هدایا، دهقانان خراسان از اسد قسری تعریف و تمجید کردن و صفات وی را پسندیدند و خصلت‌های او را ویژگی فرمانروایان مقتدر مردمدار دانستند.

در متن منابع، درمورد دادن هدیه‌های مهرگان به حاکمان، از ادائی وظيفة دهقانان دربرابر امرا سخن به میان آمده است و اینکه امیران توقع داشتند دهقانان در روز مهرگان هدیه‌های گرانبهایی اعطای کنند. چنان‌که در ذکر اخبار دوران حکومت یزید بن عمر بن هبیره آمده است: وی در حیاط امارت حکومتی نشسته بود که دهقانان جهت ادائی وظیفه در مهرگان بر وی وارد شدند و اموال فراوان، طلا و نقره بسیار و لباس‌های زیادی آورده بودند که حیاط پر شد. (ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۳۲۶/۶۵)

تنها یک تن از خلفای اموی سعی داشت این رسم هدیه دو مهرگان را براندازد و آن را باعث ظلم حاکمان و فشار بر عوام می‌دانست؛ و او عمر دوم (عمر بن عبدالعزیز) بود که در فرامین حکومتی خود اصرار داشت اموال و هدایای نوروز و مهرگان از مردم گرفته نشود. دستور عمر بر منع گرفتن هدایا و نیز محکوم و ممنوع کردن دیگر اقدامات ظالمانه عمال خلفا (طبری، ۱۳۸۷/۱۹۶۷: ۵۶۹/۶)، خود از آگاهی عمر دوم از انگیزه‌های پست امیران از گرفتن هدایای مهرگان نشان دارد. وی اجازه نمی‌داد که در نوروز و مهرگان برای خود و هم هدیه‌ای ببرند (ابن سعد، ۱۴۱۰/۱۹۹۰: ۶۷/۶). در حالی که قبل از آن، جشن مهرگان بیشتر برای سوء استفاده از آن حتی در دمشق مرکز مروانیان هم به تشویق خلفا برگزار شد. (همان، ۶۷/۶)

هديه گرفتن های اجباری، پس از مرگ عمر بن عبدالعزیز و در دوران خلافت جانشینش یزید بن عبدالمالک از سر گرفته شد و وی به کار و اداشتن افراد بدون مزد و برقرار کردن هدیه ها و آنچه در نوروز و مهرگان گرفته می شد را مجدداً برقرار ساخت (يعقوبی، بی تا: ۳۱۳/۲). در عهد هشام هم هدیه گرفتن از رعایا در مهرگان، امری عادی و معمولی بود؛ چنان که حاکم خراسان جنید بن عبدالرحمن که خود با دادن رشوه و هدیه به هشام و همسرش به حکومت خراسان رسیده بود (طبری، ۱۹۶۷/۱۳۸۷، ۶۷/۷)، از مردم بخارا برای هر یک از سپاهیانش در روز مهرگان ده درهم بخارایی گرفت. (ابن اثیر، ۱۹۶۵/۱۳۸۵، ۱۷۰/۵)

عباسیان و مهرگان

خلفای عباسی در عصر اقتدارشان، اهمیت زیادی به جشن های مهرگان می دادند و در دوره آنان، برنامه های زیادی در مراسم مهرگان اجرا می شد؛ حتی در زمان برگزاری جشن در سرمن رای، هنرمندان، موسیقی اجرا می کردند (ابوالفرح اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۶/۱۶). نویسنده گان و وزرای عهد عباسی، هدایا مهرگان را برای خلفاً مشروع و حلال می دانستند (ابن عبدربه الاندلسی، ۱۴۰۴: ۳۱۵/۷) و خاندان های ایرانی که عمیقاً به برگزاری این جشن ها اعتقاد داشتند و به مناصی هم در دولت عباسی رسیده بودند، مشوق انجام مراسم مهرگان شده بودند. خاندان برمکی از خاندان های ایرانی بودند که سعی می کردند مراسم مهرگان را با شکوه و جلال برگزار کنند و به موسیقی دانانی مثل ابراهیم موصلي برای اجرای برنامه و نواختن موسیقی، هدايایی گران بها پیشنهاد می کردند (ابوالفرح اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۴۵/۱۵؛ محمد بن حسن بن حمدون، ۱۴۱۷: ۵۵/۲). فضل بن سهل ذوالریاستین در این روز دستور داد به مداعی که درباره مهرگان شعری سروده بود، هدیه های بسیاری داده شود. (زمخشی، ۱۴۱۲: ۶/۲-۲۴۵)

همچنین، بسیاری از سرداران خلفاً، برای عیش و نوش و تفریح و سرگرمی، از جشن مهرگان استقبال می کردند. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۴۵/۴)

از شواهد و قرائن چنین بر می‌آید که عباسیان اهمیتی بیشتر از امویان برای جشن مهرگان قائل بودند؛ چنان‌که گاهی خواسته‌ها و نیازهای مردم را در مهرگان پس از گرفتن هدایا بر طرف می‌کردند؛ مهدی عباسی — فرزند منصور — پس از گرفتن هدایای ابوالعتاھیه، خواسته‌های وی را که بر بشقابی چینی نوشته بود، برآورده ساخت. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۱۷/۳)

مأمون نیز که مادرش ایرانی بود و مدتی مرکز خلافتش را به مرو انتقال داده بود، برای مهرگان ارزش بیشتری قائل بود. در زمان خلافت وی، اول بار احمد بن یوسف کاتب، در نامه‌ای رسمی اداری فارسیدن جشن مهرگان را به وی تبریک و تهنیت گفت (فلقشندی، بی‌تا: ۳۴۷، ۴۹۲/۱۱). البته افرادی که تهنیت می‌گفتند، هدیه‌های گرانبهایی را هم به خلیفه تقدیم می‌کردند (صoluی، ۱۴۲۵: ۲۱۲/۱؛ ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵، ۱۱۶/۶). همهٔ خلفای عباسی با عید مهرگان یکسان برخورد نمی‌کردند و بعضی از آنان مثل متول توقع داشتند از تمامی شخصیت‌های مطرح ایرانی در این عید هدیه گرفته شود. متول از بختیشور طبیب هدیه ویژه مهرگان را درخواست کرد و بختیشور جواب داد که من این رسوم را نمی‌شناسم و مردی نصرانی‌ام (قاضی تنوخي، ۱۳۹۱ق.: ۲۴۶/۸). این روایت نشان می‌دهد که جشن مهرگان را ایرانیان و زرداشتیان برگزار می‌کردند. شاید هم بختیشور برای طفره‌رفتن از دادن هدیه چنین جوابی داده باشد. معمولاً خلفای ستمگر و سختگیر توقع بیشتری برای گرفتن هدایا داشتند و افراد چاپلوس نیز به آنها هدایایی گرانبهای تقدیم می‌کردند. حسن بن وهب، جامی طلایی دارای هزار مثقال عنبر برای متول فرستاد و ضمن آن شعری با مضامون دعا برای طول عمر وی سرود:

... لاترل الف حجه مهرجان ...

... هزار سال مهرگان بیاید و تو آن را به نوروز برسانی ...

(جاحظ، ۱۴۲۳: ۳۲۳)

از خلفای عباسی، برخی هم بودند که مراسم مهرگان اهمیتی نمی‌دادند و آن را خلاف اصول اسلامی می‌دیدند و شاعران را به سرودن اشعاری در نکوهش جشن‌های مهرگان تشویق می‌کردند. از جمله این خلفاء، مهندی عباسی بود که البته خلافتش چند ماهی بیشتر طول نکشید. در یکی از اشعار شاعر زمان وی، در تأیید اقدامش در رد هدایای مهرگان آمده است:

رددت هداياالمهرجان ولم تكن لتسخواالنفوسالوفرعون مستفادها
و عاديت اعيادالمضلين معلنا ولو لالتحرى للهدى لم تعادها

تو هدایای مهرگان را رد کردی در حالی که هیچ یک از بخشندهای معمولی به آنها بی نیاز نبودند. با جشن‌های گمراه کنندگان آشکارا دشمنی کردی و اگر تعیت راه حق نبود، به این کار مبادرت نمی‌جستی.

مراسم مهرگان بعد از پیدایش حکومت‌های نیمه مستقل ایرانی در قرن‌های سوم و چهارم هم ادامه یافت. صابی — مورخ معروف عضدالدوله — در روز مهرگان اسطرابی را که با ظرافت و به اندازه یک درهم ساخته بود، به وی هدیه داد و ضمن آن شعری برای مخدومش سرود:

اهدى اليك بنوالحاجات واختلفوا فى مهرجان جديد انت ميله
لكن عبدك ابراهيم حسين راي علو قدرك الاشى يساميه
اهدى لك الفلك الاعلى بما فيه لم ير بالرض يهديها اليك فقد

(محمدبن حسن بن حمدون، ۱۴۱۷: ۵/۱۳)

نیازمندان در روز مهرگان که تو بربا داشتی، به درگاهت می‌آمدند و می‌رفتند و تو را هدیه می‌آوردند ولی بنده تو ابراهیم چون علو مقام تو را دید که هیچ چیز با آن برابری نتواند، راضی نشد زمین را به تو هدیه دهد بلکه آسمان را با هر چه در آن است، پیشکش کرد.

این ایات، خود بیانگر آن است که در دربار عضدالدوله، افراد ضمن دادن هدیه‌ها، خواسته‌های خود را در مهرگان مطرح می‌کردند و این جلسات در دوره

آل بویه می‌توانست برای حاکمان و رعایا سودمند باشد. چنان‌که اشاره شد، مهدی عباسی هم که از سایر خلفای عباسی مردمدارتر و آسان‌گیرتر بود، همین رویه را در پیش گرفته بود.

به دستور مقتدر — خلیفه عباسی — وزیر جدید علی بن عیسی از ابوالعباس احمد بن عبدالله خصیبی وزیر معزولش بازجویی کرد که ضمن آن اشاره رفت که وزیر در نوروز و مهرگان، سی و پنج هزار دینار از مردم برای خلیفه و فرزندان و خاندان وی می‌گرفته است. (مسکویه‌الرازی، ۱۳۷۹: ۶/۵-۲۲۵)

در عهد حکومت ترکان، از گرفتن پیشکش‌ها و هدايا و اهمیت دادن به مهرگان در منابع، اخباری وجود دارد؛ ولی مبحث آن، به این پژوهش مربوط نیست.

عید مهرگان و عقاید اسلامی

برخورد مردم و حاکمان درباره هماهنگی جشن‌های مهرگان با عقاید دینی یکسان نبود. بعضی از مردم جشن‌های مهرگان را تحريم می‌کردند و آن را عید نمی‌دانستند و تأکید می‌کردند که اعياد اسلامی همان عید فطر و قربان است و مهرگان عید مجوس است (ابوالفرح اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۳/۱۵۴)؛ اما کسانی هم بودند که هم فطر و قربان و هم مهرگان را جشن می‌گرفتند. ابن مسکویه — صاحب کتاب تجارب‌الامم — در قصیده‌ای که برای ابن‌العمید — وزیر آل بویه — سرود، تقارن دو عید قربان و مهرگان را به وی تبریک گفت، درحالی که هر دو مسلمان هم بودند. مطلع قصیده وی چنین است:

اعبد عبیدیک عیدالفرس والادب
قل للعمید، عمیدالملک والادب
(یاقوت‌الحموی، ۱۴۲۳: ۱/۲۱۹)

به عمید استوار کننده پادشاهی و ادب بگوی فرارسیدن عید ایرانیان و عرب بر تو
مبارک باد.

در زمان خلافت مأمون نیز ماه رمضان و عید مهرگان مقارن شد؛ و برای متبرک کردن هدایای مهرگان، هدایا را با قرآن به خلیفه تحويل می‌دانند و آیاتی از سوره «الرحمن» را تلاوت می‌کردند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰/۱: ۵۰۰). رشیدالدین طوطاط — از شاعران فارسی‌زبان عهد خوارزمشاهیان — به تقارن عید قربان و مهرگان اشاره کرده است:

آمد خجسته موسم قربان به مهرگان

خونریز این به هم شد با برگریز آن

بجوى مهر من اى نوبهار حسن که من

به کارت آيم هم چون به مهرگان آتش

قرمطیان که از سوی عمدۀ مسلمانان رانده شده و اهل غارت و ایجاد نواوری در دین بودند، در نوروز و مهرگان روزه می‌گرفتند (ابن‌العربی، ۱۹۹۲: ۱۵۰؛ طبری، ۱۹۶۷/۱۳۸۷: ۲۶/۱۰). مقدسی درباره آمیختگی ایرانیان و اعراب و مراوات مسلمانان و زرتشیان می‌نویسد: ایشان نماز تراویح را دوبار می‌خوانند و نوروز و مهرگان را با مجوسان عید می‌گیرند (المقدسی، محمدبن احمد، ۱۹۹۱: ۴۴۱). برخی زاهدان مسلمان هم بودند که اعتکاف در نوروز و مهرگان را بر هر کاری ترجیح می‌دادند و در مساجد معتکف می‌شدند تا از اعمال و مراسم این اعیاد بر حذر باشند (زمخشیری، ۱۴۱۲: ۴۰/۱). چنان‌که در ابتدای مقاله ذکر شد، بنابر روایتی از صبح‌الاعشی فی صناعة الانشاء، عید مهرگان منشأی دینی دارد و برخی ایرانیان تصور می‌کردند ضحاک همان نمرود و فریدون همان ابراهیم (ع) است.

همین که زرتشت به بزرگ کردن مهرگان و اهمیت‌دادن به آن امر داده است (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۷۴)، می‌تواند عاملی بر بی‌میلی مسلمانان پرهیزگار به بزرگداشت مهرگان باشد. در برخی از منابع عربی تأکید شده که مهرگان عید مجوس است (ابن‌فقیه همدانی، ۱۴۱۶/۱۹۹۶: ۳۳۳)؛ و از طرفی، بعضی از دانشمندان مسلمان ایرانی

اصرار داشتند که مهرگان را براساس آیات قرآن تفسیر کنند، چنان‌که بیرونی با اشاره به آیات قرآن درباره خلقت جهان در شش روز، اشاره دارد که اول روز از شش روزی که خداوند جهان را خلق کرد، مهرگان را برپا داشت. (بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۶۴)

گاهی تقارن مهرگان با مراسم مذهبی ماه رمضان، باعث ایجاد اختلاف و درگیری بین طرفداران جشن مهرگان و مخالفان آن و ایجاد درگیری‌ها و آتش‌سوزی‌ها می‌شد. ابن‌جوزی، نمونه‌ای از آن را در عهد خلافت القادر بالله عباسی ذکر کرده است. (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲/۱۹۹۲: ۲۱۶/۱۵)

مهرگان در اشعار شاعران

مباحث مربوط به عید مهرگان در قرن اول تا چهارم، بیشتر از اینکه به فارسی باشد، به عربی است؛ و در این دوران، بیشتر منابع ایران هم عربی هست و در منابع عربی نیز شواهد شعری زیادی درباره مهرگان ارائه شده است. منابع و اشعار فارسی، بیشتر به قرون بعد مربوط است. چنان‌که در ابتدای مقاله اشاره شد، منابع مکتوب در دوران باستان هم خیلی کم است و منابع قرون نخستین اسلامی نیز عربی است و شاعران ایرانی و عرب شعرهای عربی زیادی درباره جشن‌ها، هدایا و مراسم مهرگان سروده‌اند؛ که بعضی اشعار در راستای گرفتن هدیه و اشعاری همزمان با دادن هدایا و شعرهایی نیز درباره ماجراهای رخداده در جشن‌های مهرگان و یا تعریف و یا مذمت آن است.

فضل بن جعفر، درباره مهرگان شعری برای فتح بن خاقان سروده که مطلع آن چنین است:

بَكَرُ النَّاسِ بِالْهَدَىِيَا عَلَىِ اقْدَارِهِمْ فِي صَبِيحَهِ الْمَهْرَجَانِ...

(خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۰/۱۵۳)

مردم با هدایایی به اندازه وسعشان در صبحگاه مهرگان حاضر شدند...

علی بن جهم کاتب – کاتب متوكل – در قصیده‌ای به عیدبودن مهرگان اشاره و به مردم توصیه می‌کند که در این جشن شرکت کنند:

اغتم جده‌الزمان‌الجديد واجعل المهرجان ايمن عيد...

(ابو الفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۳/۱۵۴)

نوشدن زمانه و روزگار را غنیمت بشمار و مهرگان پریمن و برکت را جشن بگیر.

ابوسلط در عهد متوكل درباره مهرگان چنین سروده است:

بدوله جعفر حسن الزمان لـنافـيـ كـلـ يـوـمـ مـهـرـجـانـ

جعلـتـ هوـيـتـيـ لـكـ فـيهـ وـشـياـ وـخـيرـالـوـشـيـ مـاـسـنـجـ الـلـسـانـ

(زمخسری، ۱۴۱۲: ۱/۳۶)

به‌سبب دولت جعفر، زمانه و روزگار نیکو و خوشایند شده به گونه‌ای که هر روز ما مهرگان است.

هویتم را به نام تو مزین ساختم و نیکوترين ستایش آن است که از طریق زبان باشد.

حسن بن وهب نیز درباره مهرگان اشعاری برای متوكل سرود که در آن اشاره شده است که اشراف ایران اهمیت زیادی به جشن مهرگان می‌دهند.

المـهـرـجـانـ لـنـاـ يـوـمـ نـسـرـ بـهـ يـوـمـ تعـظـمـهـالـاـشـرافـ وـالـعـجمـ

(جاحظ، ۱۴۲۳: ب/۳۲۴)

مهرگان روزی است که در آن مسروور می‌شویم و بزرگان و ایرانیان آن را بزرگ می‌شمارند.

بحتری – از شاعران قرن سوم هجری – درباره مهرگان چنین سروده است:

انـالـمـهـرـجـانـ حـقاـ عـلـىـ كـلـ كـبـيرـ منـ فـارـسـ وـ صـغـيرـ

عـيـدـ اـبـاءـ كـ الملـوـكـ ذـوـيـ التـيـجـانـ اـهـلـ الـنـهـيـ وـ اـهـلـ الـخـيـ

همانا مهرجان را حقی بر گردن هر بزرگ و کوچک ایرانی است.

عید اجداد تو و پادشاهان صاحب تاج صاحبان خرد و نیکخواه بودند.

جدای از شاعران مهم عرب قرن اول مثل نهارین توسعه و فرزدق که به مناسبت‌هایی اشعاری درباره مهرگان سروده‌اند، ایرانیان نیز اشعاری بیشتر در مدح مهرگان سروده و ازسوی مخدومین خویش حمایت شده‌اند. برخی از اعراب هم در نظم به مدح مهرگان و توصیه به انجام مراسم آن پرداخته‌اند؛ که از جمله آنها آدم بن آدم بن عبدالعزیز بن عمر بن عبدالعزیز است که اشعاری در منع کوتاهی از پرداخت خراج و هدیه در مهرگان سروده است:

احاذر ان اقصر فی خراجی الی النیروز او فی المهرجان...

(ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۵۱/۱۱)

از کوتاهی در پرداخت خراج خودداری می‌کنم

تานوروز یا در مهرگان پرداخت خواهم کرد

و البته این توصیه وی دقیقاً خلاف عملکرد جدش عمر دوم بود که اصرار داشت گرفتن هدایا در مهرگان را براندازد. البته ممکن است این اشعار جهت خوشایند خلفای عباسی سروده شده باشد. شاعرانی مثل بحتی در عهد عباسی، زمانی براساس تمایلات خلفاً از جشن مهرگان حمایت و زمانی نیز با توجه به طبع درونی خلیفه‌ای دیگر، آن را مذمت می‌کردند.

اشعاری نیز در شاهنامه فردوسی و در دیوان شاعرانی مثل رودکی، فرخی، دقیقی، عنصری، ناصرخسرو، منوچهری و... درباره مهرگان آمده است که مواردی از آن در صفحات پیشین نقل شد و در اینجا به نمونه‌ای از ایيات رودکی بسنده می‌شود. رودکی – نخستین شاعری که به زبان فارسی جدید شعر سروده – اشعاری درباره مهرگان آورده است که از روی آن شاید بتوان به برخی از اقدامات انجام‌شده و دلیل مخالفت‌های زاهدان با مراسم مهرگان در این روز پی‌برد:

ملکا جشن مهرگان آمد جشن شاهان و خسروان آمد

جز به جای ملحم و خرگاه بدل باغ و بوستان آمد

مورد به جای سوسن آمد باز می به جای ارغوان آمد

تو جوانمرد و دولت تو جوان آمد
می به بخت تو جوان

بزرگان ایرانی و مهرگان

در قرون نخستین اسلامی، برخی از بزرگان و شخصیت‌های مهتر ایرانی با وجود اعتقاد به دین مبین اسلام، اعیاد نوروز و مهرگان را جشن می‌گرفتند و در بزرگداشت آن اهتمام می‌ورزیدند و برگزاری جلسات گرامیداشت آن اعیاد، منافاتی با عقاید اسلامی آنها نداشت. فضل بن سهل سرخسی از مذاهان مهرگان حمایت مالی می‌کرد و یکبار همه هدایای مهرگان را به مذاхی بخشید (زمخشی، ۱۴۱۲: ۴۶۵/۲). قابوس بن وشمگیر – که اجداد وی هم بر تاریخ گذشته ایرانیان تأکید داشتند و خود از بزرگان ادب عربی محسوب می‌شد – در روز مهرگان در بین شاعران گندم تقسیم می‌کرد (یاقوت‌الحموی، ۱۴۲۳: ۲۸۶/۵). مهلبی – وزیر معز الدوله – بخشی از اموال خود را در مهرگان و نوروز به وی پیشکش می‌کرد (همان، ۴۳۱/۱). ابویحان بیرونی – دانشمند بزرگ ایرانی – همواره سرگرم تألیف در زمینه‌های علمی مورد علاقه‌اش بود و فقط در نوروز و مهرگان قلم از دست وی می‌افتاد (بیرونی، ۱۴۲۲: ۱۰۱۸/۲). آشکار است که ابویحان ارزش زیادی برای اعیاد معروف ایرانی قائل بوده است. صاحب بن عباد – دانشمند و وزیر آل بویه – به علی بن حسین کاتب که در مدح مهرگان اشعاری سروده بود، بخشش‌هایی کرد (همان، ۳۴۰/۱)؛ و اصلاً رفتن کاتب به نزد وی برای گرفتن صله بود و او می‌دانست که صاحب ارزش زیادی برای سروden شعر درباره مهرگان قائل است. ابوعلی مسکویه‌الرازی هم شخصیتی است که کتاب تجارب الامم را با کیانیان شروع می‌کند و تمایلات ایرانی دارد. وی تقارن دو عید مهرگان و قربان را به وزیر آل بویه در شعری تبریک گفت (مسکویه‌الرازی، ۱۳۷۹: ۲۱۹/۱). شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی – مؤلف کتاب احسن التقاسیم – هم که از جانب مادر اهل قومس و ایرانی بوده است،

می‌گوید که در جشن‌های مهرگان شرکت کرده است (مقدسی، محمدبن‌احمد، ۱۹۹۱: ۴۵). اهمیت دادن نویسنده‌گان و حاکمان معروف ایرانی در قرون نخستین به جشن مهرگان، نشانگر آن است که مردم بزرگداشت این عید را با اعتقادات اسلامی خویش مغایر نمی‌دیدند و علایق ملی درین توده مردم باعث اهمیت دادن به این مراسم می‌شده است. البته عموم مردم با برخی اقدامات خلاف شرع که افرادی در این جشن‌ها انجام می‌دادند، مخالف بودند.

نتیجه

جشن مهرگان که از اعیاد باستانی ایران محسوب می‌شد، در قرون نخستین اسلامی در ایران رایج بود و خلفای اموی و عباسی از برگزاری آن به جهت گرفتن هدایا و ایجاد مقبولیت درین عامله مردم حمایت می‌کردند. برگزاری جشن‌ها و دادن هدیه را ابتدا بومیان ایرانی مطرح کردند ولی بعدها برای خلفا به صورت توقع و انتظاری درآمد که در مهرگان از سران و اشراف و دهقانان تقاضای هدایای گرانبها داشتند. شخصیت‌های ایرانی که حس میهن‌دوستی و تاریخنگری داشتند، از بزرگداشت روز مهرگان حمایت می‌کردند و برای مداعان مهرگان هدایا و پاداش‌های مالی درنظر می‌گرفتند. بعضی خلفای عباسی هم که جباریت کمتری داشتند، به همراه گرفتن هدایا، به خواسته‌های مردم پاسخ می‌دادند. حکومت‌های نیمه مستقل ایرانی قرن ۳ و ۴، اهمیتی بیشتر از خلفا برای مراسم مهرگان قایل بودند. مسلمانان از دیدگاه دینی موضع‌گیری‌های متفاوتی در مورد برگزاری جشن‌های مهرگان داشتند. درواقع جشن مهرگان برای بسیاری از ایرانیان یادبودی از گذشته‌ای دور و ازیادرفته به نظر می‌آمد که می‌توانست بر پیروزی نظامی اعراب در ایران تأثیر نهد و انتظارات فرهنگی آنان را در اوج اقتدار خلافت عربی و به‌ویژه در دوران پیدایش حکومت‌های نیمه مستقل بازسازی کند.

کتابنامه

- ابن ابیالحدید. ۱۳۷۲. جلوة تاریخ در شرح نهج البلاعه. انتخاب و ترجمة دکتر محمود مهدوی دامغانی. چاپ اوّل. تهران: نشر نی. (در شرح خطبه ۲۱۹)
- ابن اثیر عزالدین ابوالحسن علی. ۱۹۶۵/۱۳۸۵. الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصار.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد. ۱۹۹۱/۱۴۱۲. المنتظم فی تاریخ الاسم والملوک. تحقیق محمد و مصطفی عبد القادر عطا. الطبعۃ الاولی. بیروت: دارالكتب العلمیہ.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. ۱۹۸۸/۱۴۰۸. دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر. تحقیق خلیل شعاده. الطبعۃ الثانية. بیروت: دارالفکر.
- ابن سعد، محمدبن سعدبن منیع. ۱۹۹۰/۱۴۱۰. الطبقات الکبری. تحقیق محمد عبد القادر عطا. الطبعۃ الاولی. بیروت: دارالكتب العلمیہ.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله. ۱۹۹۲/۱۴۱۲. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب. تحقیق علی محمدالبجاوی. الطبعۃ الاولی. بیروت: دارالجلیل.
- ابن عذریه الاندلسی، شهاب الدین ابو عمرو. ۱۴۰۴. عقد الفرید. چاپ اوّل. بیروت: دارالكتب العلمیہ.
- ابن العبری. ۱۹۹۲. تاریخ مختصر الدویل. تحقیق انطون صالحانی یسوعی. الطبعۃ الثالثة. بیروت: دارالشرق.
- ابن عساکر دمشقی، ابوالقاسم علی بن حسن. ۱۴۱۵. تاریخ مدینة الدمشق. بیروت: دارالفکر.
- ابن العمراوی، محمدبن علی. ۱۴۲۱/۲۰۰۱. الانباء. تحقیق قاسم السامرائی. طبعۃ الاولی. القاهره: دارآفاق العربیہ.
- ابن فقیه همدانی، ابو عبدالله احمدبن محمد. ۱۹۹۶/۱۴۱۶. البلدان. تحقیق یوسف الهاڈی. الطبعۃ الاولی. بیروت: عالمالكتب.
- ابن قتیبه دینوری. ۱۴۱۸. عیون الاخبار. بیروت: دارالكتب العلمیہ. بی جا.
- _____ ۱۴۲۳. الشعر والشعراء. قاهره: دارالحدیث.
- ابن کثیر، ابوالقداء اسماعیل بن عمر. ۱۹۸۶/۱۴۰۷. البدایه والنهایه. بیروت: دارالفکر.
- ابن ندیم، محمدبن اسحاق. بی تا. الفهرست. بی جا: بی نا.
- _____ ۱۳۶۶. کتاب الفهرست. ترجمه و تحقیق محمد رضا تجدد. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر. (ص ۲۴۷)

۲۸۰ فرهنگ، ویژه تاریخ

- اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین. ۱۴۱۵. الاغانی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- اصفهانی، حمزه بن حسن. ۱۳۴۶. تاریخ پیامبران و شاهان. ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. بی‌چا.
- اوستا. ۱۳۸۲. ترجمه و پژوهش هاشم رضی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات بهجت.
- بلذری، احمد بن یحیی بن جابر. ۱۴۱۷/۱۹۹۶. انساب الاشراف. الطبعة الاولى. تحقيق سهیل ذکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
- . ۱۹۸۸. فتوح البلدان. بیروت: دار مکتبةاللهال.
- بلغمی. ۱۳۷۳-۷۸. تاریختنامه طبری. تحقیق محمد روشن. تهران: سروش.
- بیرونی، ابو ریحان محمد بن احمد بیرونی. ۱۴۲۲. آثار الباقيه عن القرون الخالية. چاپ اول. تهران: مرکز نشر میراث مکتب.
- ثعالبی، ابو منصور عبد الملک بن محمد. ۱۳۲۸. غرر اخبار ملوک فرس و سیرهم. ترجمه محمود هدایت. تهران: بی‌نا.
- جاجخط، ابو عثمان. ۱۴۲۳. الف. البيان والتبیین. بیروت: دار مکتبةاللهال.
- . ۱۴۲۳ ب. المحسن والاصداید. بیروت: دار مکتبةاللهال.
- جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدالوس. ۱۳۴۸. الوزراء والكتاب. ترجمه ابو الفضل طباطبایی، با مقدمه زین العابدین رهنما. بی‌جا: بی‌نا.
- خطیب بغدادی، ابو بکر احمد بن علی. ۱۴۱۷. تاریخ بغداد. چاپ اول. بیروت: دارالكتب العلمیه.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. ۱۹۶۰. الاحبار الطوال. تحقيق عبد المنعم عامر. الطبعة الاولى. قاهره: دار احیاء الكتب العربی.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد. ۱۴۱۳/۱۹۹۳. تاریخ الاسلام. تحقيق عمر عبد السلام تدمیری. الطبعة الثانية. بیروت: دارالكتب العربی.
- راغب اصفهانی. ۱۴۲۰. محاضرات الادباء ومحاورات الشعراء والبلغاء. چاپ اول. بیروت. شرکت دار ارقام بن ابی الارقم.
- رضی، هاشم. ۱۳۷۱. گاهشماری و جشن‌های ملی ایران باستان. تهران: بهجت.
- . ۱۳۵۸. جشن مهرگان یلدای. چاپ اول. تهران: سازمان انتشارات فروهر.
- زمخشی جار الله. ۱۴۱۲. ریبع الابرار و نصوص الاخیار. چاپ اول. بیروت: مؤسسه الاعلمی.

السمعاني، ابوسعید عبدالكريم بن محمد. ۱۹۶۲/۱۳۸۲. الانساب. تحقيق عبد الرحمن بن يحيى المعلمى.

الطبعة الاولى. حيدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.

صفا، ذبيح الله. بي تا. گاهشماری و جشن‌های ملی ایرانیان. شورای عالی فرهنگ و هنر.

صولى، ابوبکر محمد بن يحيى. ۱۴۲۵. الاوراق قسم اخبار الشعرا. قاهره: شرکت اهل.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. ۱۹۶۷/۱۳۸۷. تاريخ الطبری. الطبعة الثانية. تحقيق محمد ابوالفضل

ابراهیم. بيروت: دار التراث العربي.

عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله. ۱۴۰۸. الاوائل. چاپ اول. طنطا: دارالبشير.

فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۷۵. شاهنامه. بد قلم عزیزالله جوینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قاضی توخي. ۱۳۹۱. ق. نشووار المخاسره و اخبار المذاکره. بيروت: بي نا.

قلقشندی، شهاب الدین احمد بن عبدالله. بي تا. صبح الاعشی فی صناعة الانشاء. بيروت:

دارالكتب العلمية.

قیروانی، ابراهیم بن علی. بي تا. زهرة الآداب و ثمره للباب. بيروت: دارالجلیل.

گردیزی، ابوسعید عبدال cocci بن ضحاک. ۱۳۶۳. زین الاخبار. تحقيق عبدال cocci حبیبی. چاپ اول.

تهران، دنیای کتاب.

محمد بن حسن بن حمدون. ۱۴۱۷. التذكرة الحمدونیه. چاپ اول. بيروت: دارصادر.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. بي تا. التنبیه والاشراف. تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی. القاهره:

دارالصاوی.

_____ . ۱۴۰۹. مروج الذهب و معادن الجوهر. الطبعة الثانية. تحقيق اسعد داغر. قم:

دارالهجره.

مسکویه‌الرازی، ابوعلی. ۱۳۷۹. تجارب الامم. تحقيق ابوالقاسم امامی. الطبعة الثانية. تهران: سروش.

قدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. ۱۴۱۱/۱۹۹۱. حسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. الطبعة الثالثة. مکتبه

مدبولي.

قدسی، مظہرین طاہر. بي تا. البداء والتاریخ. تحقيق بور سعید. مکتبۃ الثقافة الدينیہ.

منهاج السراج. ۱۳۶۳. طبقات ناصری. تحقيق عبدالمحمد حبیبی. تهران: دنیای کتاب.

مؤلفی نامعلوم. مجمل التواریخ والقصص. بي تا. تحقيق ملک الشعرا بهار. تهران: کلاله خاور.

۲۸۲ فرهنگ، ویژه تاریخ

نویری، شهاب الدین احمد. ۱۴۲۳. نهایة الارب فی فسون/الادب. چاپ اول. قاهره: دارالکتب والوثائق القومیه.

یاقوت الحموی، شهاب الدین عبدالله. ۱۴۲۳. معجم/الادباء. ترجمة عبدالمحمد آیتی. چاپ اول. تهران: سروش.

_____ . ۱۹۹۵. معجم البستان. الطبعة الثانية. بیروت: دارصادر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. بی تا. تاریخ الیعقوبی. بیروت: دارصادر.